

توقف بزرگ‌ترین پروژه کابل‌های اینترنت جهان (۴۵ هزار کیلومتر) در تنگه هرمز به‌دلیل تثبیت حاکمیت ایران و لغو بیمه کشتی‌های کابل‌گذار، نشان داد چگونه کنترل گلوگاه‌های استراتژیک جغرافیایی می‌تواند ائتلاف غول‌های فناوری را زمین‌گیر کند.

در بررسی معماری پیچیده اینترنت جهانی، تنگه‌های استراتژیک و آبراه‌های بین‌المللی همواره به‌عنوان نقاط اتصال حیاتی و در عین حال پاشنه آشیل زنجیره تأمین داده‌ها شناخته شده‌اند.

یافته‌های مستند تأیید می‌کنند که پروژه ۲Africa، به‌عنوان بزرگ‌ترین پروژه کابل‌های اینترنت جهان، اکنون به‌طور کامل زمین‌گیر شده است. کنسرسیوم متا (Meta) و شرکت شبکه‌های زیردریایی الکتانل (ASN) در مواجهه با تشدید تنش‌های منطقه‌ای مرتبط با جنگ ایران و ایالات متحده/اسرائیل، عملیات کابل‌گذاری را متوقف کرده و با اعلام رسمی فورس مَاجُور (Force Majeure)، کشتی‌های خود را زمین‌گیر کرده‌اند. این واقعه که مستقیماً به‌خاطر جنگ ایران با آمریکا و اسرئیل رخ داده، یک «پیروزی بدون شلیک» برای ایران محسوب می‌شود.

کابِدشکافی فنی و اقتصادی ابرپروژه ۲Africa پروژه ۲Africa که در ماه مه سال ۲۰۲۰ معرفی شد، بلندپروازانه‌ترین و عظیم‌ترین شبکه کابلی زیردریایی در تاریخ ارتباطات دیجیتال است. این پروژه با هدف ایجاد یک حلقه ارتباطی یکپارچه میان سه قاره آفریقا، آسیا و اروپا طراحی شد تا پهنای باند و پایداری شبکه را برای مناطقی که به‌شدت به اینترنت نیازمند هستند، به‌طور ریشایی دگرگون سازد.

طراحی این سیستم، استانداردهای پیشین کابل‌کشی زیردریایی را از نظر مقیاس، طول و فناوری به‌طور کامل جا‌به‌جا کرده است و نشان‌دهنده تغییر قدرت از شرکت‌های مخابراتی



بزرگ‌ترین پروژه کابل‌های اینترنت جهان چگونه در تنگه هرمز زمینگیر شد؟

سنتی به غول‌های فناوری (Hyperscalers) در مدیریت زیرساخت‌های جهانی است.

از منظر معماری فنی، سیستم اولیه ۲Africa به طول ۴۵٬۰۰۰ کیلومتر امتداد دارد که این مسافت از محیط کره زمین نیز بیشتر است. این کابل با استفاده از پیشرفته‌ترین فناوری مالتی‌پلکسینگ تقسیم فضایی (SDM) ساخته شده است که امکان استفاده از ۱۶ جفت فیبر نوری را در یک کابل واحد فراهم می‌کند.

این فناوری نوین، ظرفیت طراحی‌شده سیستم را به ۱۸۰ ترابیت بر ثانیه می‌رساند که معادل دو تا سه برابر ظرفیت کل کابل‌های زیردریایی است که تا پیش از این به قاره آفریقا متصل بوده‌اند. این ظرفیت عظیم، زیرساخت لازم برای پشتیبانی از فناوری‌های نوین مانند صنوعی (AI)، یافاناش ابری و اپلیکشن‌هایی با پهنای باند بالا را فراهم می‌آورد و امکان سوئیچینگ طول موج نوری در زیر دریا را برای مدیریت انعطاف‌پذیر پهنای باند مقدور می‌سازد.

کنسرسیوم سازنده این سیستم، ترکیبی از قدرت‌های فناوری غربی، آسیایی و خاورمیانه‌ای است که خود نشان‌دهنده اهمیت ژئوپلیتیکی آن است. شرکت متا رهبری این پروژه را بر عهده دارد و غول‌های مخابراتی شامل چاینا موبایل اینترنتشال (China Mobile International)، گروه بیاباب (Telecom Bayobab)، اورنج (Orange)، تلکام مصر (Telecom Egypt) و Vodafone، شرکت سعودی سنتر۳ (center۳ وابسته به گروه stc) و WIOCC در آن مشارکت فعال دارند.

در نوامبر ۲۰۲۵، شرکت متا به‌طور رسمی اعلام کرد که زیرساخت هسته‌ای سیستم ۲Africa که قاره آفریقا را دور می‌زند، تکمیل شده است. تأثیر اقتصادی این فاز از پروژه به‌قدری چشمگیر ارزیابی شده است که براساس مطالعات مؤسسه RTI، پیش‌بینی می‌شود ظرف دو تا سه سال پس از عملیاتی شدن کامل، بین ۲۶٫۲ تا ۳۶٫۹ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی (GDP) قاره

قواعد بازی در منطقه را ایران دیکته می‌کند



سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

پروژه ۶SEA-ME-WE SEA-ME-WEF به‌طول ۲۱٬۷۰۰ کیلومتر، یکی از مهم‌ترین سیستم‌های نسل جدید است که قرار بود با اتصال مستقیم سنگاور به فرانسه، بار ترافیکی سیستم فرسوده و پراختلال SEA-ME-WE۵ (Latency) بین ۳۰ تا ۱۲۰ میلی‌ثانیه یا کمتر شود.

کنسرسیوم ۶SMW که شامل شرکت‌های بزرگی چون اورنج فرانسه، سینگ‌تل سنگاور و شرکت‌های هندی و پاکستانی است، با درک خطرات فزاینده در دریای سرخ، یک معماری هیبریدی بی‌نظیر طراحی کرده بود.

قرار بود بخشی از این سیستم (موسوم به AI Khaleef Cable System) از طریق تنگه هرمز وارد عربستان سعودی (شهر الخُجَیر) شده و از طریق یک پل زمینی ۱۰۰۰ کیلومتری متعلق به شرکت stc (شبکه SNFN) از عرض شبه‌جزیره عربستان عبور کرده و به ساحل دریای سرخ (ینبع یا ضبا) متصل شود تا از عبور از بخش‌های جنوبی و خطرناک دریای سرخ کاملاً اجتناب گردد.

اما با انسداد خلیج فارس، این مسیر جایگزین هوشمندانه‌تری غیرقابل اجرا شد. در نتیجه، تاریخ بهره‌برداری از این پروژه حیاتی که پیش‌تر برای سال ۲۰۲۴ برنامه‌ریزی شده بود، رسماً به اواخر سال ۲۰۲۷ موکول شد.

این تأخیر فاجعه‌بار باعث شده تا شبکه‌های منطقه نتوانند ترافیک خود را تخلیه کنند و دریای سرخ، در وضعیت عملیاتی تنزل یافته (Degraded State) کار می‌کند و توان پاسخگویی به تقاضای روزافزون پهنای باند را ندارد.

پروژه Fibre in Gulf (FIG) گروه مخابراتی قطری Ooredoo با سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیون دلار، پروژه FIG را برای اتصال هفت کشور حاشیه‌ی خلیج فارس (قطر، عمان، امارات، بحرین، عربستان، کویت و عراق) از طریق یک حلقه فیبر زیردریایی عظیم با ظرفیت ۷۲۰ ترابیت بر ثانیه آغاز کرده بود.

این پروژه نیز که توسط ASN اجرا می‌شد، در پی اعلام فورس مَاجُور و محاصره عملی تنگه هرمز، در آب‌های شمالی خلیج فارس متوقف شد. بخش‌های زیادی از این کابل در بستر دریا رها شده و اتصالات آن به خشکی تکمیل نشده است. در یک واکنش اضطراری، Ooredoo فوریه ۲۰۲۶ با تأسیس نهاد جدیدی به نام Ooredoo Fibre Networks (OFN) تلاش کرد تا

استراژی خود را در دریا به شبکه‌های زمینی تغییر دهد، اما ظرفیت‌های زمینی به‌هیچ‌وجه پاسخگوی معماری پهن‌بند این پروژه نیست.

فائق‌های نجات دیجیتال و محدودیت‌های فیزیکی زمان ترمیم یک کابل که در شرایط عادی ۴۰ روز به طول می‌انجامد و بین ۱ تا ۳ میلیون دلار هزینه دارد، اکنون به یک فرایند غیرقابل انجام تبدیل شده است. اقدامات اضطراری در سطح پروتکل‌های مسیریابی شدند تا از خاموشی کامل شبکه‌ها جلوگیری کنند. بر اساس دستورالعمل‌های فنی منتشرشده و تحلیل‌های شرکت ThousandEyes، مهندسان شبکه با استفاده از جوامع پروتکل درگاه مرزی (BGP Communities) اقدام به فرمان دهی و تغییر مسیر ترافیک (Traffic Steering) از مسیرهای آسیب‌دیده زیردریایی به سمت تونل‌های پشتیبان مضاعف بگذاردند.

توقف عملیات توسط شرکت ASN تنها محدود به پروژه ۲Africa نماند و به‌سرعت اثرات سرائیتی (Contagion Effect) خود را بر سایر پروژه‌های کلان و زیرساخت‌های در حال توسعه خاورمیانه نشان داد. محیط ناامن امنیتی و حقوقی باعث شد تا چندین ابرپروژه دیگر نیز در وضعیت تعلیق نامحدود قرار گیرد و شبکه فعلی را تحت فشار کم‌عمق خلیج فارس ساقط کرده است. آن مولدین (Alan Mouldin)، مدیر ارشد تحقیقات در مؤسسه TeleGeography، در همین رابطه تأکید می‌کند که حتی در صورت توقف فوری درگیری‌های نظامی، عملیات کابل‌گذاری بلافاصله از سر گرفته نخواهد شد. پیش از هرگونه میانه‌بندی، مسئله بیمه به یک مانع غیرقابل عبور تبدیل شده است. شرکت‌های بیمه دریایی از صدور بیمه‌نامه برای کشتی‌های تخصصی کابل‌گذار در این منطقه خودداری می‌کنند که این امر عملاً ورود هرگونه ناوگان تعمیراتی یا مهندسی را به خلیج فارس متوقف کرده است.

وضعیت زمانی بحرانی‌تر می‌شود که بدانیم برای تعمیرات کابل در کل منطقه خلیج فارس، تنها یک کشتی تعمیراتی متعلق به شرکت e-Marine مستقر از سایر شناورها در دریای مدیترانه (Mediterranean Sea) در حال حرکت است. هدف اعلام‌شده از سفر عاصم منیر، انتقال پیام‌ها و نزدیک‌کردن دیدگاه‌های تهران و واشنگتن در پی میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن است و مسکو نیز برای پیگیری منافع خود در پرونده‌های دوجانبه و منطقه‌ای با تهران رایزنی می‌کند. این هم‌زمانی نشان می‌دهد که هرگونه بازتعریف قواعد بازی در منطقه، بدون لحاظ‌کردن جایگاه و منافع ایران، با مانع جدی روبه‌رو خواهد شد.

۱. مأموریت میانجی: میان فشار و مذاکره
بازارت یک واقعیت راهبردی است: ایران یکی از محورهای اصلی موازنه در منطقه است. اسلام‌آباد در پی میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن است و مسکو نیز برای پیگیری منافع خود در پرونده‌های دوجانبه و منطقه‌ای با تهران رایزنی می‌کند. این هم‌زمانی نشان می‌دهد که هرگونه بازتعریف قواعد بازی در منطقه، بدون لحاظ‌کردن جایگاه و منافع ایران، با مانع جدی روبه‌رو خواهد شد.

۲. موازنه راهبردی: پایان دوران ابتکار غرب
تلاقی این دو مسیر، فراتر از دو مأموریت جداگانه، بازارت یک واقعیت راهبردی است: ایران یکی از محورهای اصلی موازنه در منطقه است. اسلام‌آباد در پی میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن است و مسکو نیز برای پیگیری منافع خود در پرونده‌های دوجانبه و منطقه‌ای با تهران رایزنی می‌کند. این هم‌زمانی نشان می‌دهد که هرگونه بازتعریف قواعد بازی در منطقه، بدون لحاظ‌کردن جایگاه و منافع ایران، با مانع جدی روبه‌رو خواهد شد.

۳. مأموریت میانجی: میان فشار و مذاکره
بازارت یک واقعیت راهبردی است: ایران یکی از محورهای اصلی موازنه در منطقه است. اسلام‌آباد در پی میانجی‌گری میان تهران و واشنگتن است و مسکو نیز برای پیگیری منافع خود در پرونده‌های دوجانبه و منطقه‌ای با تهران رایزنی می‌کند. این هم‌زمانی نشان می‌دهد که هرگونه بازتعریف قواعد بازی در منطقه، بدون لحاظ‌کردن جایگاه و منافع ایران، با مانع جدی روبه‌رو خواهد شد.

۴. پاسخ مقتدرانه: میانجی‌گری آری، تسهیل امتیازگیری نه
تهران میانجی‌گری را امتیازی برای آمریکا یا پاکستان نمی‌داند، بلکه آن را مسئولیتی می‌شمارد که باید به بازگشت طرف ناقض تعهدات به مسیر تفاهم و اجرای تعهدات پیشین حاکمیت کند. از این منظر، نقش پاکستان نباید فقط به انتقال پیام محدود بماند؛ میانجی‌گری زمانی اثرگذار است که به بازگشت طرف‌ها به تعهدات پذیرفته‌شده کمک کند. تهران از اصل میانجی‌گری حمایت می‌کند، اما بر کارکرد و مسئولیت آن نیز تأکید دارد:

میانجی‌گری زمانی معنا می‌یابد که به حل بحران و اجرای تعهدات بینجامد، اگر مأموریت میانجی صرفاً به انتقال خواسته‌های تازه آمریکا و اعمال فشار بر تهران محدود شود، دیگر در خدمت حل بحران نیست؛ بلکه به ابزاری برای تسهیل امتیازگیری و زیاده‌خواهی تبدیل خواهد شد.

۵. پیام قدرت: ایستادگی در کنار دیپلماسی
میانجی‌گری، بدون تغییر رفتار طرف مقابل، می‌تواند به تکراری بی‌نتیجه تبدیل شود. تهران نشان داده است که انتقال پیام و استقبالی از گفت‌وگو، جایگزین حاکمیت ملی و ایستادگی نیست. دیپلماسی و مذاکله دغلی، دو رکن مکمل در سیاست جمهوری اسلامی‌اند. پافشاری بر اجرای تعهدات، بخشی از سیاستی است که بر حاکمیت ملی و توانمندی‌های داخلی تکیه دارد. هرگونه تلاش برای تغییر موازنه از راه فشار، با واقعیت‌های منطقه و جایگاه ایران روبه‌رو خواهد شد؛ زیرا تعمیم قواعد بازی در منطقه، بدون درنظرگرفتن ظرفیت و منافع ایران ممکن نیست.

۶. رایزنی با قدرت محوری منطقه
سفر سرگئی لاروف، وزیر خارجه روسیه، به تهران، مسیر دوم این ترافیک دیپلماتیک را شکل

این تغییر مسیرها اگرچه از قطع کامل اینترنت جلوگیری کردند، اما هزینه‌های فنی سنگینی را پی داشتند. هدایت ترافیک از مسیرهای غیربهمینه زمینی (غالباً از طریق شبکه‌های زمینی آسیا یا مسیرهای طولانی‌تر) منجر به افزایش چشمگیر تأخیر (Latency) بین ۳۰ تا ۱۲۰ میلی‌ثانیه یا کمتر شد.

برای سرویس‌های حساس به زمان، پلتفرم‌های ابری و پردازش‌های هوش مصنوعی، این میزان افزایش تأخیر به معنای افت شدید کیفیت خدمات است. برای دور زدن تنگه‌های مسدودشده، صنعت مخابرات منطقه به‌سرعت به ظرفیت شبکه‌های فیبر نوری زمینی روی آورد که از آن‌ها در ادبیات فعلی با عنوان «قایق‌های نجات دیجیتال» (Digital Lifeboats) یاد می‌شود.

مهم‌ترین این مسیرهای زمینی که اکنون بار اصلی ارتباطات را به دوش می‌کشند عبارت‌اند از:
۱. سیستم Blue-Raman: پروژه مشترک گوگل که با دور زدن هوشمندانه تنگه‌های خطرناک، از طریق اردن وارد یک پل فیبر نوری زمینی در اسرائیل شده و به دریای مدیترانه می‌رسد.

در چشم‌انداز سال ۲۰۲۶، این مسیر به اصلی‌ترین شریان نجات منطقه برای عبور ترافیک اروپا-آسیا تبدیل شده است؛ هرچند تمرکز بیش از حد ترافیک در یک ریدرود خاص، آسیب‌پذیری‌های امنیتی و ژئوپلیتیکی خاص خود را به همراه دارد.

۲. شبکه ملی فیبر عربستان (SNFN): شبکه‌ای گسترده متعلق به گروه stc که ترافیک را مستقیماً از طریق خشکی از سواحل خلیج فارس به سواحل دریای سرخ منتقل می‌کند و از تنگه هرمز و باب‌المندب عبور نمی‌کند.

۳. سیستم MEETS (Middle East-Europe Terrestrial System): یک شاهکار مهندسی و شبکه‌ای زمینی به طول ۱۴۰۰ کیلومتر که کابل‌های فیبر نوری را درون سیم‌های محافظ بالایی دکل‌های فشار قوی انتقال برقی دریا، ساخته است (OPGW). این روش با ارتقا دادن به کابل‌ها، آن‌ها را از آسیب‌های فیزیکی رایج (مانند حفاری‌های عمرانی) مصون داشته و از امنیت فیزیکی بالای شبکه‌های توزیع برق بهره می‌برد.

۴. کریدور زمینی عراق-ترکیه (WorldLink): با توقف بخش دریایی کابل WorldLink در خلیج فارس که قرار بود امارات را مستقیماً به عراق متصل کند، اپراتورها تلاش کردند با استفاده از اتصالات کوتاه استراتژیک کویت به عراق، ترافیک را وارد فلد و از طریق بغداد به مرز ترکیه و سپس به فرانکفورت منتقل کنند. با وجود تمام این تلاش‌های مهندسی، واقعیت تلخ برای صنعت ارتباطات آن است که فیزیک شبکه قابل دور زدن نیست. شبکه‌های زمینی (با ظرفیت‌های محدود و آسیب‌پذیری در برابر قطعی‌های داخلی) هرگز برای تحمل بار ترافیکی عظیم کابل‌های ۱۸۰ ترابیتی زیردریایی طراحی نشده‌اند.

این مسیرهای زمینی صرفاً به‌عنوان سوپاپ اطمینان برای جلوگیری از خاموشی مطلق عمل می‌کنند و مانند جاده‌های دوطرفه خاکی هستند که تلاش می‌کنند بار ترافیکی یک بزرگ‌راه شش‌بانه مسدودشده را به دوش بکشند.

تغییر پارادایم در امنیت زیرساخت و واکنش‌های بین‌المللی

آنچه در آب‌های خلیج فارس و تنگه هرمز رخ



می‌دهد. روسیه برای پیگیری مواضع و منافع خود در منطقه، به گفت‌وگو با تهران نیاز دارد. ایران بازیگری مستقل و اثرگذار است؛ ازاین‌رو، هیچ ترتیب‌ات پایداری برای امنیت منطقه نمی‌تواند جایگاه و منافع آن را نادیده بگیرد.

همکاری روسیه با ایران می‌تواند در کنار ابتکار کشورهای منطقه معنا پیدا کند، نه به‌جای آن. امنیت منطقه زمانی پایدارتر خواهد بود که کشورهای منطقه در شکل‌دادن به آن مشارکت داشته باشند و منافع ایران نیز در نظر گرفته شود.

۷. تکیه راهبردی مسکو بر ایران مقتدر
همکاری با ایران برای روسیه بخشی از محاسبات راهبردی در برابر فشارهای غرب است، جایگاه ژئوپلیتیکی و ظرفیت اثرگذاری ایران، آن را به شریکی مهم برای مسکو تبدیل می‌کند؛ شریکی که همکاری با آن، گزینه‌های چانه‌زنی سیاسی و اقتصادی روسیه را گسترش می‌دهد و آسیب‌پذیری‌اش را در برابر فشارهای یک‌جانبه کاهش می‌دهد.

این رابطه، نیاز یک‌طرفه نیست؛ روسیه از همکاری با ایران برای تقویت موقعیت خود بهره می‌گیرد و تهران نیز با اتکا به ظرفیت‌هایش، گزینه‌های دیپلماتیک و قدرت چانه‌زنی خود را افزایش می‌دهد. ایران بازیگری مستقل و اثرگذار است؛ قدرتی که دیگر بازیگران ناگزیرند جایگاه و ظرفیتش را در محاسبات خود لحاظ کنند.

۸. شورای امنیت: ظرفیت موازنه‌سازی
روسیه به‌عنوان عضو دائم شورای امنیت، حق و برخوردار دارد. مواضع مسکو در برخی پرونده‌های می‌تواند با منافع ایران همسو شود و در برابر فشارهای یک‌جانبه موازنه ایجاد کند. این ظرفیت به معنای حمایت خودکار یا تضمین‌شده نیست، اما یکی از ارعده‌های مهم رایزنی و همکاری دو کشور به شمار می‌رود.

صفحه ۱۲

چهارشنبه ۶ آبان ۱۴۰۵

۱۷ جمادی‌الاول ۱۴۴۸ – شماره ۲۴۲۷۲

داد، فراتر از یک تأخیر مهندسی، یک نقطه عطف تاریخی در تئوری‌های بازاردنگی و ژئوپلیتیک سایبری است. ایران برای توقف بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین زیرساخت دیجیتال تاریخ، نیازی به شلیک مستقیم از کابل با استفاده از غواصان نظامی برای قطع فیزیکی Africa ۲ نداشت.

در این دکترین نامتقارن، صرف ایجاد و حفظ یک محیط امنیتی ناپایدار، استفاده از پهناب‌ها و موشک‌ها در فضای منطقه و بالا بردن سطح ریسک سیستماتیک برای شرکت‌های بیمه، برای توقف ماشین عظیم سرمایه‌داری و فناوری غرب کافی بود.

این بحران نشان داد که زیرساخت‌ها صرفاً شامل بخش‌های زیردریایی نیستند، بلکه تأسیسات ساحلی نیز به‌شدت آسیب‌پذیرند.

حملات پهنپادی ایران به مراکز داده در بحرین و امارات متحده عربی، پیام روشنی به کنسرسیوم‌های بین‌المللی فرستاد که حتی ریسک سیستماتیک برای شرکت‌های بیمه، برای توقف ماشین عظیم سرمایه‌داری و فناوری غرب کافی بود.

این بحران نشان داد که زیرساخت‌ها صرفاً شامل بخش‌های زیردریایی نیستند، بلکه تأسیسات ساحلی نیز به‌شدت آسیب‌پذیرند.

ایران با بهره‌گیری از موقعیت جغرافیایی خود در خلیج فارس، نه‌تنها ائتلافی از غول‌های فناوری غربی (متدا، وودافون، اورنج) را متوقف کرد، بلکه برنامه‌های راهبردی و بلندپروازانه کشورهای عربی رقیب برای ارتقای استقلال دیجیتالشان را نیز به بن‌بست کشاند.

این شکستندگی بنیادین، زنگ خطر را در پایتخت‌های غربی به صدا درآورده است. آسیب‌پذیری بیش از ۹۹ درصد ارتباطات بین‌المللی متکی به کابل‌های زیردریایی، به یک مسئله امنیت ملی تبدیل شده است.

واکنش به این تهدیدات ساختاری، کمسیون اروپا در ژوئن ۲۰۲۶ منطقه ۴۰ میلیون یورویی برای افزایش ظرفیت تعمیر اضطراری و تأمین امنیت فیزیکی کابل‌های زیردریایی در منطقه اروپا صادر کرد تا از تسری این مدل از تهدیدات نامتقارن به آب‌های قاره سبز جلوگیری کند.

همچنین بحث‌های حقوقی گسترده‌ای برای بازنگری در کنواسیون حقوق دریاهای سازمان ملل (UNCLOS) آغاز شده است تا کابل‌های زیردریایی رسماً به‌عنوان «تأسیسات عمومی و زیرساخت‌های حیاتی امنیت جهانی» طبقه‌بندی شوند.

دستانتا توقف ۲Africa Pearls در خلیج فارس، صرفاً روایتی از یک تأخیر مهندسی نیست؛ بلکه روایتی تاریخی از برخورد آرمان‌های سرمایه‌داری سلیکون‌ولی و اتصال بدون مرز، با صخره‌های سخت و انعطاف‌ناپذیر جغرافیای سیاسی است. کنسرسیوم درختمند متا با وجود در اختیار داشتن برترین تکنولوژی‌های کابل‌کشی جهان، ظرفیت‌های بی‌سابقه ۱۸۰ ترابیتی و دوچه‌های چندین میلیارد دلاری، در برابر اهرم فشار امنیتی در خلیج فارس ناتوان ماند. کشتی مجهز ۱۱e de Batz که نماد برتری مهندسی غرب بود، به دلیل لغو بیمه‌های دریایی و خطرات ناشی از مهمات عمل نکرده، عملاً به گروگان شرایط محیطی در بندر دمام تبدیل شد.

ایسن رویداد که به‌درستی از آن به‌عنوان «پیروزی بدون شلیک» یاد شد، ثابت کرد که در دوران مدرن، تسلط بر گلوگاه‌های جغرافیایی نه‌تنها برای ترانزیت انرژی، بلکه برای شریان‌های اقتصاد دیجیتال نیز ابزاری تعیین‌کننده و استراتژیک است.

ایجاد یک محیط امنیتی بریسک، بدون نیاز به تخریب مستقیم کابل‌های متعلق به غول‌های فناوری، توانست ساختار توسعه شبکه‌های پهن‌بند در کشورهای عربی را متوقف کرده و برنامه‌های توسعه ملی مبتنی بر هوش مصنوعی را در این کشورها متوقف کند.

به گزارش تسنیم، اگرچه قایق‌های نجات دیجیتال و مسیرهای زمینی مانند SNFN و Blue-Raman توانسته‌اند تا حدودی از قطع کامل ارتباطات بین‌المللی جلوگیری کنند، اما ظرفیت محدود و تأخیر بالای آن‌ها هرگز نمی‌تواند جایگزین شریان‌های مسدودشده زیردریایی شود.

۹. امنیت منطقه و انرژی
امنیت تنگه هرمز و ثبات بازار انرژی بر منافع منطقه و جهان اثر می‌گذارد. هماهنگی با تهران برای مسکو اهمیت دارد؛ اما امنیت منطقه باید با مشارکت کشورهای منطقه و با توجه به جایگاه و منافع ایران شکن بگیرد.

۱۰. محک همکاری: دستاورد عملی و استقلال تصمیم

ارزش راهبردی سفر لاروف را باید در نتایج عملی آن جستجو کرد: پیشرفت توافق‌ها، گسترش همکاری‌ها و هماهنگی مؤثر در مجامع بین‌المللی. شراکت با روسیه زمانی به تقویت موقعیت ایران می‌انجامد که بر منافع متقابل استوار باشد و بر پایه استقلال تصمیم‌گیری تهران پیش برود.

همین معیار دربار سفر عاصم منیر نیز صدق می‌کند. موفقیت میانجی‌گری را باید با نتیجه آن سنجید؛ آیا به اجرای تعهدات و کاهش تنش می‌انجامد، یا در حد انتقال پیام و طرح خواسته‌های تازه باقی می‌ماند؟

نتیجه‌گیری
سفر عاصم منیر و سفر لاروف دو مسیر جداگانه، اما مرتبط در دیپلماسی تهران‌اند: یکی به میانجی‌گری میان ایران و آمریکا مربوط است و دیگری به همکاری ایران و روسیه. پیام محوری تهران در هر دو مسیر روشن است: میانجی‌گری باید به اجرای تعهدات کمک کند و همکاری خارجی باید بر منافع متقابل و تصمیم‌گیری مستقل استوار باشد. ازاین‌رو، دستاورد این سفرها آمدها را باید نه فقط در دیدارها و پیام‌ها، بلکه در نتایج عملی آن‌ها سنجید: اجرای تعهدات، کاهش تنش، پیشرفت همکاری‌ها و حفظ استقلال تصمیم. قدرت زمانی در میدان دیپلماسی نیز معنا پیدا می‌کند که به نتیجه‌ای پایدار و قابل سنجش بینجامد و تخلف از تعهد، مانع اصلی رسیدن به چنین نتایج‌ای است.